



گزارش رصد فرهنگی (۱۰۰)

بحران نارضایتی و ناکارآمدی در بلوچستان ایران

گزارش پیش‌رو «بحران نارضایتی و ناکارآمدی در بلوچستان ایران» ترجمه متون راهبردی بین‌المللی است و پاسخی آگاهانه به یک «ضرورت ساختاری» است که از تلاقی سه بردار کلان «تحولات میدانی»، «تولیدات اندیشکده‌ای غرب» و «داده‌های جامعه‌شناختی داخلی» نشئت می‌گیرد. این گزارش در آذر ۱۴۰۴ در مرکز رصد فرهنگی منتشر شده است.

ایران در حالی می‌کوشد پیامدهای جنگ دوازده‌روزه با اسرائیل را مهار کند که در فضای بین‌المللی با فشارهای فزاینده ایالات متحده و احتمال احیای تحریم‌های سازمان ملل روبه‌رو است و در فضای داخلی با مجموعه‌ای از مسئله‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند که توجه تهران را می‌طلبد. ازجمله این‌ها، نارضایتی‌های ساکنان بلوچ منطقه ملتهب بلوچستان است. بلوچستان بخش عمده استان جنوب شرقی سیستان و بلوچستان را در برمی‌گیرد. دوسوم ساکنان آن بلوچ هستند^{۳۴}؛ گروهی عمدتاً سنی مذهب که از منظر قومی و مذهبی از بیشترین فارسی‌زبان شیعه‌مذهب ایران متمایزند. این منطقه سال‌ها شاهد توسعه‌نیافتگی، طرد اجتماعی‌سیاسی، سرکوب و تخریب زیست‌محیطی بوده است. همچنین گاهی در این مناطق شاهد خشونت‌هایی بوده‌ایم، ازجمله در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲^{۳۴}؛ که در میان بلوچ‌ها با عنوان «جمعه خونین» شناخته می‌شود. زمانی که نیروهای حکومتی بیش از ۱۰۰ معترض را کشتند. اگرچه [همینک] ناآرامی‌ها فروکش کرده است، عوامل محرک آن همچنان بررسی نشده است که می‌تواند گرایش‌های گروه‌های جدایی‌طلبانه را تقویت کند؛ مانند آنچه در سال ۲۰۲۴ زمینه‌درگیری با کشور همسایه، پاکستان، را برانگیخت. باوجوداین، تلاش برای پیشبرد توسعه اقتصادی و شمول سیاسی^{۳۴}، به همراه رسیدگی به دشواری‌های زیست‌محیطی^{۳۴}، می‌تواند به ثبات بلوچستان یاری رساند.

کاستی‌های اجتماعی اقتصادی سیستان و بلوچستان آشکار است. ساکنان از فقر مزمن، بیکاری بالا، زیرساخت‌های ضعیف، و دسترسی محدود به خدمات پایه نظیر آب سالم، مراقبت‌های بهداشتی و آموزش رنج می‌برند. ناکارآمدی‌های حکمرانی با وسعت پهناور استان، اقلیم خشن و انزوای جغرافیایی آن تشدید شده است و به محروم شدن مداوم آن دامن زده است. فقر، منجر به اتکا [ساکنان این مناطق] به قاچاق سوخت و مواد مخدر شده است و باعث تداوم ناامنی و بزهکاری‌اند. تلاش‌های دولت برای ترویج رشد اقتصادی مشروع در منطقه تا حد زیادی ناکام مانده است. اگرچه مقامات (سروران) بر موقعیت استراتژیک استان^{۳۴}؛ از آن جهت که با پاکستان و افغانستان هم‌مرز است و دروازه‌ای به اقیانوس هند محسوب می‌شود^{۳۴}؛ تأکید می‌ورزند، اما بلندپروازی‌ها برای توسعه این منطقه محقق نشده است. پروژه‌هایی نظیر توسعه بندر چابهار^{۳۴}؛ که هدف از آن تبدیل منطقه به یک قطب تجاری بود^{۳۴}؛ به دلیل تحریم‌ها، سوءمدیریت و فقدان سرمایه‌گذاری پایدار با مانع روبه‌رو شده است.

جمعیت بلوچ همچنین با طرد ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کند که بخشی از آن ریشه در تفاوت‌های قومی-فرقه‌ای در داخل ایران دارد. بلوچ‌های سنی مذهب، که هم اقلیت قومی و هم اقلیت مذهبی محسوب می‌شوند، برای برخورداری از رفتاری برابر در ایران که اکثریت با فارسی‌زبانان شیعه‌مذهب است تقلا می‌کنند. آن‌ها در حکمرانی استانی و ملی حضور کم‌فروغی دارند و با محدود بودن در آزادی‌های فرهنگی و اغلب سرکوب‌های شدید روبه‌رو هستند، امری که به بی‌اعتمادی نسبت به نخبگان در تهران دامن می‌زند. به تازگی، گام‌های مثبتی

برداشت‌شده است. در اکتبر ۲۰۲۴، رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان، نخستین استاندار بلوچ سنی مذهب استان را پس از چهار دهه منصوب کرد؛ او همچنین اقدام‌هایی را برای بهبود نمایندگی اقلیت‌های قومی در دولت اتخاذ کرده است. با این حال، تاکتیک‌های بدیل تهران در جذب و به حاشیه راندن چهره‌های کلیدی نظیر مولوی عبدالحمید^{۳۴}؛ روحانی پرنفوذ اهل سنت که پس از «جمعه خونین» به مثابه صدایی مخالف ظهور کرد^{۳۴}؛ مؤید دینامیسمی است که میان تلاش برای شمول بیشتر و اقدام‌های سرسختانه برای کنترل در نوسان است.

وضعیت امنیتی در بلوچستان همچنان پرتنش است. گروه‌های مسلح جدایی‌طلبی نظیر جیش‌العدل، که از نارضایتی اجتماعی سیاسی تغذیه می‌کنند، حملات (آفندها) منظمی را علیه نیروهای ایرانی و سایر نهادهای دولتی انجام می‌دهند. درگیری‌های مکرر به رویارویی‌های مرگبار فرامرزی، به‌ویژه با پاکستان در اوایل ۲۰۲۴، دامن زده است. این گروه حتی از آفندهای اسرائیل در طول جنگ دوازده روزه در ماه ژوئن استقبال کرد و آن را نه حمله‌ای به «ایران»، بلکه حمله‌ای به «رژیم» صورت‌بندی نمود. دیدگاه‌های جدایی‌طلبانه احتمالاً در میان بلوچ‌های ایران حاشیه‌ای است، اما [احساس] نارضایتی بنیادین چنین نیست. با این حال، دولت ستیزه‌جویی را عمدتاً از یک منظر امنیتی می‌بیند، نه آنکه آن را مرتبط با کاستی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی‌ای تلقی کند که به احساسات (سهش‌ها) جدایی‌طلبانه دامن زده است.

تخریب محیط‌زیست، که ناشی از دگرگونی‌های اقلیمی، مدیریت ضعیف آب و مناقشه‌های بین‌الدولتی، به‌ویژه با افغانستان بر سر جریان رود هیرمند/هلمند به ایران، است، یک نگرانی فزاینده [دیگر] محسوب می‌شود. خشک‌سالی‌ها، طوفان‌های گردوغبار و سیلاب‌ها، کشاورزی محلی را ویران کرده و شرایط زندگی را با سختی همراه کرده است. پاسخ‌های تهران [در چنین وضعیتی] عمدتاً بر یافتن منابع جایگزین [و تازه] آب در منطقه‌ای خشک متمرکز است. بدون سرمایه‌گذاری قابل‌توجه در مدیریت آب، زیرساخت‌ها و شیوه‌های پایدار، فشارهای زیست‌محیطی، مشکلات اجتماعی اقتصادی را تشدید کرده و می‌تواند زمینه ناآرامی‌های بیشتری را فراهم آورد.

تهران برای ثبات بخشی به بلوچستان به استراتژی‌ای چندجانبه نیاز دارد که فهرست اولویت‌ها زیر می‌تواند از آن جمله باشد: گسترش [حضور] نمایندگان بلوچ در نظام حکمرانی و تعامل با رهبران محلی برای تقویت صدای سیاسی آنان؛ سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و اشتغال‌زایی برای ترویج توسعه اقتصادی، هم‌زمان با مهار اتکا به تجارت غیرقانونی؛ نوسازی مدیریت آب، به همراه تلاش برای حل مناقشات آبی با افغانستان و بهبود آمادگی در برابر بلایای [طبیعی] به منظور ارتقاء تاب‌آوری محیط زیستی و درنهایت فاصله گرفتن از رویکردی قهرآمیز به ستیزه‌جویی‌ها [محلی] و حرکت به سوی رویکردی که به محرک‌های اجتماعی-سیاسی بنیادین خشونت از طریق شفافیت پاسخ می‌دهد.

این اقدام‌ها مستلزم منابع و اراده سیاسی است، آن‌هم در زمانی که تهران با فشارهای شدید اقتصادی و ژئوپلیتیکی، از جمله تنش با اسرائیل و ایالات متحده و احتمال بازگشت «اسنپ‌بک»، دست‌به‌گریبان است. با این حال، نادیده گرفتن مسئله‌های بلوچستان، تنها خطر بی‌ثباتی در سطح محلی و در سطوح ملی و خاورمیانه را افزایش خواهد داد. رسیدگی به نارضایتی‌های این استان باید برای تهران یک اولویت باشد^{۳۴}؛ چه آنکه مصائب این منطقه منحصر به فرد هم نیست. در واقع، این [رویه موجود در این منطقه] منعکس‌کننده روندهای ملی است: زوال اقتصادی، زیرساخت تحت فشار، تنش زیست‌محیطی و شکاف تعمیق‌شونده دولت و ملت. پیشرفت در بلوچستان نشانه‌ای از آن خواهد بود که تهران برای مقابله با این مسئله‌های سیستمیک (سامانه‌ای) جدی است. دوسویه، اقدام نکردن، خطر تشدید نارضایتی منطقه را به همراه دارد و پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت که می‌تواند هم در داخل و هم در فراسوی مرزهای آن طنین‌انداز شود.

چالش‌های فرا روی بلوچستان، ترکیبی درهم‌تنیده و چندلایه از مسائل بومی، دشواری‌های دامن‌گیر بسیاری از

مناطق پیرامونی کشور و معضلاتی است که ایران را در تمامیت آن متأثر ساخته است. تهران می‌تواند و باید گام‌هایی را در راستای پیشبرد توسعه، استقرار حکمرانی فراگیرتر و صیانت بهتر از محیط‌زیست در بلوچستان بردارد. با این حال، مادامی که حکومت مرکزی درگیر مسائل ژئوپلیتیک و چه بسا بحران‌های داخلی عظیم‌تری باشد، بعید نیست در تخصیص منابع و توجه مورد نیاز به این منطقه دوردست تعلل ورزد؛ حتی در شرایطی که در این برهه پسا جنگ، بر وحدت ملی تأکید می‌ورزد. توافقی میان تهران و واشنگتن که موجب تعدیل فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها می‌شود، می‌تواند مجال بیشتری برای دولت ایران فراهم آورد تا به سامان‌دهی اوضاع داخلی، از جمله در رابطه با بلوچستان و دیگر مناطق مرزی، همت گمارد. اما در هر صورت، دولت ضرورتاً باید فرایند رسیدگی به وضعیت بغرنج بلوچستان را آغاز کند؛ وضعیتی که پیامدهایی برای ثبات ملی و منطقه‌ای در پی دارد و با گذشت زمان، تنها رو به وخامت بیشتر خواهد گذاشت.